

خود را حرکت داده اند تا همار تقدیم از برای او نهانند چنانچه بعضی مناقبین و شیادین پن
 میگشند و بنا باشد که بعضی بر بالای سر آنحضرت ایتاده باشند و مشغول خدمات
 باشند و امره نبی کشند و مترب در کاه خود را مدد اند و اینها خصوصیت بخواهند نباشد
 که بنا با کاه آنحضرت سر برآ فرماید و فرمایش فرماید که ندان را بگردانند و کروش بزندجه
 ایکه آنچه در اوست و در قلب او میدانند از هنر و شرک و تقاض و اراده اند و خیالات فا
 سده و انجام باطله و علم ما فی الصبر و ما فی القصد و روما فی انجیال را میدانند و بجز این
 خیال و بر وزاره امور باطله در باطن او و را میدانند بسلطه علی که خداوند عالیان با خطا
 فرمود است چهار تهمس آنکه ابری بر سر مبارک آنحضرت سایه یعنی از دو صد
 از او خلاصه شود که همه خلائق بشنوند که بر بان فیصله و بیان گوید که این چهدی ایل چهار
 لرزیں را پرازعدل و دادناید چنانچه بر از ظلم وجود شده است و در هرجایی از زمین
 که آنحضرت عبور فرماید آن ابر رحمت بر سر او با کمال عادت و اتفاقاً سایه یعنی از
 و مانع بدینها از داشتند و چنانچه ابر بر سر حضرت خاتم النبیین سایه ای اند ایشان
 بر سر مبارک خاتم النبیین هم سایه یعنی از دنیا طلاقی عاصل آید و دحوال و دخاتم
 پا از رو تهمس آنکه زمین زیر پایی مبارک او و اصحاب ظفر اثاب او پیویده باشد
 که ماقتهاي بعيده را باندگ زمانی طی نایند و پیشها و پیشهاي زمین در زير پا
 مبارک و حکم ظفر از او نیکان شوند و مساوی و متعال كه دند و بانين يماق در دلت
 قلبي هير عالم را نایند و ذرين همین حضرت پيد المسلطين او را قطار دنبا و طراف زمین

بضم الهمزة
 جمله
 تمهیل
 بفتح
 بفتح

زینه زینه زینه زینه زینه زینه زینه زینه
 زینه زینه زینه زینه زینه زینه زینه زینه
 زینه زینه زینه زینه زینه زینه زینه زینه
 زینه زینه زینه زینه زینه زینه زینه زینه

روشن و بلند نماید و در واجه و در وقت دید و دین پیش از زمین را ملی الادض میکویند که
قد از داد مر سینه نماید بلکه اگر که متکل بگوید حقافت بست که او در اطراف دنیا میجذبه
دیگر یک از زمینها و گویی همراه باشد چنانکه قافت که در پیش آتی زمین و گوهی را که آن حضرت
میخواهد از او عبور نماید با لکتر تصرف اثر او را میکشد و دین میگشند که شیده بهم میتوان
مشل و کیمی کیف اگرچه صد فرع باشد بتوان طلاقون ریمان او کشیده شده بعد از همین
میتوان و اینضا چون زمینها قطعه میباشد که متصل بهم میشوند که هر کدام ام کیک
رنگ و یک طیعت و یک هوا و یک خاصیت داردند که مخالف یکدیگرند و هم
وصل میباشد و یکدیگر میکنند میلیونه میباشد که یانهایا میگذرند و هر کدام در پیش علیحده
دارند بهندا اس طایکه موکلین بهر قطعه زمین را امر حیره نماید که زمینی را که با او مولک است
میپچاند میگذرد و خضرت و خوشبختی که در خدمت آن بزرگ کواد میشوند بسرعت و سه
عبور نمایند و با هست صد فرع را در داد و در یکدیگر میباشد ملی الادض کلی و خوبی و رنجی و ارضی
هم میباشد و ملی الادض کلی و مملکوت هم میباشد و او بترین همه طیه هاست که جنبه
شدن صورت کلی است از عالم گلک صورت مملوکی در عالم مملکوت که از همه طبقه
گلک و اخل عالم مملکوت شود و بازار عالم گلک و اخل شود و آن را یک شیوه هم زدن
پیو اند از مطلق عالم غرب عالم پر و دو دین خاصه نمایند و دصیا و دئیه هری و خا
در کاه آله میباشد چنانچه هف بن برخیات خود بقیه اقبل آن پر میگردانند که خاصه نمود
و خضرت پیده شجاع حلیه استلام دو از ده هزار عالم را میگردند و حال آنکه در جای خود

لیلی بیکر از دنیا
لیلی بیکر از دنیا

پیش از آنکه می‌توانم باید
آنچه از این دلایل را در میان اینها
نمی‌دانم که این اتفاقات را
که این اتفاقات را که این اتفاقات را
که این اتفاقات را که این اتفاقات را
که این اتفاقات را که این اتفاقات را

که هر عالمی سه مقابل بزرگ این عالم دنیا بود چنانچه اخبار اور رادر کن سب ملکوته الا
نوادر فوکشته ام مثل عالم مثال دخیال و خواب و غیرها و اینها آنحضرت بطن الماء
و طلب الهوا از دریاها و هر چیزی عبور میگردید و صاحب اول هم چنین شناسد و
آنکه حضرت اسد امثل حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سایه در تردید قات
و ما هم و شمع ندارد و رخنهای بدین مبارکه او هم پیاوست بدین شرطیش بدون
سایه خواهد بود زیرا که نور جمال بیشان آنحضرت در باطن چندین مقابل نور آثاب
و آهست و نور زیاد در ترد نور کم سایه خواهد اند افت و دین رخت و غاصرا بعده
طبیعت بشریه کا شیر در این نور وجود مثبت است اند اور داشت اینکه جانشیه بکث
سایه ندارد اینکه در میان در باری آب بر زر و آتنی که آن در بار اکدر و تیره و مکن آنکه تیکنده بلکه کویا بدرا
خاک و اغل و نشده است و سایر اینه هدی تیرچیت داشت آنکه ظهور چلوه اور رخت
خاتم انسانیتین و خاتم الوصیتین خواهد بود چون پیدا و ظهور نور و خشم او بوجود آیین
جفده هشتم آنکه جمیع سوریت های بیان او و صیاد او ویا از حضرت آدم نما
حضرت خاتم در ترد و خواهد بود و چند آنها را ظاهر خواهد فرمود و در بیان مردم
خواهد کشود از عصا و نعلین و پیراهن و انگشتی او آج و زرده و کیل و ترازو و روح
و محضات و مخصوصات اپیان را حتی مایوت سکنی و منک اند از داده و که
با و جا لو ت را در جنگ طالوت کشت و غیر از آنها از رسپ و اسنر و مشتر و الاغ
و صاع و شمشیر و سپر و سان و غیر از آنها از سایر مواد بیش حضرت رسول هم از

۳۰- اک داینماں میں مہرزاں و گرامات ہو رہیا و اوپریا و اوپریا و علوم و صنایع و شرایع و معارف و حجایق و دفاتری و روزنامہ رہا
مکاریں میں پنج پنج بیکیں پنج بیکیں

مُؤمنین و حسین و فاطمه و سایر ائمه طاہرین علیهم صلواته اللہ الکاظم
المبین ہمدرد تردا و حاضر نہ کر جو است مرد و اندزندہ خواہد شد و اگر جو
و نبات پاشند بحال خود هستند و ہر جا کہ باشد پاید بدرست مبارک انحضرت
پرسد ۱۱ ہر سیم آنکه احدی از مشترکین و کافرین و منافقین و خوارج
و ملائیکتین و قاسطین و مارقین را در روای زمین تجوہ کذاشت و چشم ایشان را
در زیر زمین باز باق روح ایشان ہمیں مخلد در عذاب ہمیں خواہد نمود و یکی از
مذکورین از دوست ادچان بد رخواہ پردو ہر جا کہ بکری زند یا پہمان شوند اگر چہ
پید خمہا و تقبہا و چاہہا و جاہہا و شکم درختان و غارہا و کوہہا و مدائن خیرہا نہ
و خبر پا انحضرت و اصحابا و دوستی کے غلان مناقی یا غلان کافر یا غلان مشک
در من پہمان بہت اور ایک پرید و بکشید پس پیچ خیز از شیپریتی اولانع تجوہ داشد
کر وین حق در استی مطلق نوز و هر سیم آنکه انحضرت باعیاز و لایت
و لکھ راز امامت دست مبارک کرا پر سر جہہ مردان مٹمنان از مردان رپے
ز میں از مشرق و مغرب عالم بکشید یک دفعہ مثل دماتند نماییدن آن قاب پر سریان
پس بو اسطوں مبارک آنجاب عقلیہای ایشان ہم کامل شود و قوی و تنومند و
با جرأت و شجاعت کردند کہ ہر بک بقدر چنل مرد شجاع شوند و دلہای
ایشان محکم را آہن محکم کردند کہ اگر ہمت بکیارند کو ہبھار از جا بکنند و قوت
انحضرت خود مش و صفحی ندارد کہ کسی بخواہ بقوہ پسریت نفت اور انها یاد بخیم

لایه ای ای ای عزیز و داده
لایه ای ای ای عزیز و داده

آنکه همچیز را مطیع و منقاد آنحضرت باشد از آسمانها و زمینها دکوه است
و جن و شیاطین و دیو و پری و ناس و ابرها و پادشاهی و حیوانات از درندگان و پرندگان
و چرندگان و زندگان و آنچه در زمین و آسمان از منیکان و بدیان چیزی داشت
تصرفی که بخواهد بولایت مطلق خود را اینها نماید باشون اللہ تعالیٰ و جمیع حیوانات
و نباتات و موالید ملائمه و مقاصر بعده و افلک و برام طوری و مغلبه و ملاک و بحوم و دیم
تصروف او نماید که بانجام تصرفات مختلف جیوانند و رحمه اینها به قسم تصرفات نیاز
بیست و سیم آنکه اصحاب و احباب الطیاب آنچه ایجادی محظوظ اشیاء
و افراد شخصی میتواند که هر کاهیکی از اینها در روزی زده میشوند و در آن قطعیه از زمین به
سایر زمینها تحریم میباشد از اینها صاحب حضرت فاطمه استال محمد
بردی هنر و رفته است و خداوند ترس و هم و خوف ایشان را از ایشان بردارد و خود
و هر کس ایشان بدل و شناخت ایشان بیندازد و هر یک از ایشان از تیره و زده کند
که از باشد و از شیران غریب و پاچرات ترشوند و شناخت خدارا پایال نمایند و خدا
و ند عالمیان و کوششها ایشان و سایر خلصیین شیعیان را با چشمها ایشان چنان شنوا و
میتوانند که در هر جایی ازینها ایشان نمایند و ایشان بفرمایند شنوند و بجان قبول نمایند
آن برگزیده حضرت تعالیٰ و ایشان نمایند و آنچه آنحضرت بفرمایند شنوند و بجان قبول نمایند
و ایشان را آنچه بیشتر و جواب فرماید و هر جا که باشد اگرچه در میانه ایشان
بعد از قرین باشد پس جمال ایشان را آنچه ایشان را افتخار کند خواهد بود که نو

بیوی. دیکی ملکه. نیزه. نیزه. نیزه. نیزه. نیزه. نیزه. نیزه. نیزه. نیزه.

او هم اقطا و زمین را مهش نموده باشد و چون فرص ناه برد جا شاهده از برای
هم کس شود و هرگز از ذوق پنهان خور شیدستی و متور و منقطع کرد و نور پشم شیخ
چنان دوشن و مشیع شود که اجرام کثیفه مانع از دیدن ما در این خود از برای ایشان نشود
و دیوار را بتره اجسام طبیعت محکم شوند در تراشان شل طور و پر نیک و قابل بین
بین قابل عناصری و نیوی باشد و قابل مثالی بزرگی لکن غلبه للافت برگشت
شود بوسطه اعماق اخضرت و صفحی شدن دنیا از کدو رات و کنافات و صحابه نخواهد
بهر آنچه اصحاب سبیل اولیا و دینیا باشد زیرا که محس و خالص شیعه و شیوه خواهد
و شومن خلص و خلص مومن و مسلم مستلزم خواهد بود که ابد اکفو شرک و ارتدا و متفاق و
بدولی طبیعت و بجه قلبی و بجه ذاتی و کنافت نخواهد داشت و جامع انواع نبوت و
لایت بطور اتفاقی میباشد و کسانیکه باین صفت هم بودند در زمان حضرت رسول
از نزد مسوند و صحابه او کردند مثل سلمان و ابی هرثیا و مقداد و غیرهم و خداوند عالیان
مازاجهم قابل فرماید که از زمرة آنها محبوب شویم میباشد محمد و عتر و ابا طالب و هرین پیشتر
و دویم آنکه دوره افلاک منتقلب شود که جمیع امراض و آفات و عاهات و لیالی
و ناخوشیها و بیضیعه و بیضیعه انسانیه پیریست وجود زیبود مبارک افق
دو دمان وجود زربیان جمیع مومنین و مومنات و مسلمین و مسلمات بخلاف شود
و برگات ارضی و ساده ای آشکارا و جهیات ظاهر شوند و بار اینها آسمانی که قطع شده
اند از روزگر خوب غلافت خواهند بلطفه حضرت ایضاً مومنین علیهم السلام را با حق

نوده اند پیا و در محل و موقع پی در پی نازل شوند و بسب آنها احوال کیا اهبا و علوفها و
میوه و خود پیشان کو ناکو ا مختلط که حال کی از آنها بافت نشود از زمین ردمیده
شوند که دنیا شاهزاد عبیر سرث شود بیست و سیم آنکه ا جوان ا شخصی شونده
عیوب ظاهره از قبیل طبی و کوری و مشی و نقصان اعضاء و احوال و اجزاء و کل از
میان مردم بر خواسته شود و عیوب بالله و نقصان کامنه از بواطن زایل شوند مثل
اخلاق رذیه و احوال غیره و صفات غیر محتضن غیر مرضیه از قبیل حقد و حسد و زیبه
و عداوت و بغض و فخر و تکبر و خودگی و ریا و سمع و غبطة و بد و بدبختی و بعض
ظلات خود جهل و نسلت کفر و شرک و ظلم و کدر و دلت بر طرف کرد و دوعا کار فعل
غالب شوند و هفتماد و پنج چند جهل کروند که ا قلبهم ابدان انان متوجه خور خوشید
کروند و عقل و عقایات عالم کیر شوند و جهل و جهادیات متفرض و مدد و هم شوند اکثر
باز قدر قبل از قیام پیش رو خواهد آورد که جمیع مذکورات عجیب منطق شوند و خنا
ظلات جهل و جنوه ا و عالم را فرو کیر شود که بخوبی و جا بهم بزم زندگانی ایام است به
پیش از خواهش و تغییل خود عقل و جهل را در کتاب مشکوکه الافوار نوشته ام ۲۳
بیست و چهارم آنکه صلح کلی در میان ذوات احوال مختلفه و ابدان
متضاده عدد و از آدمیزاد و حیوانات و طیور و مسایع ضاره واقع شود که چند
و پرندگان و درندگان و خودندگان با هم مو رخات نمایند و که و پیش و پیرو که
از بک چشم با هم آب نوشند و آهون و ماذی و پازد و کب با هم بازی و پر و از شما پند

لهم انت السلام السلام السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَاللَّهُ أَكْبَرُ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
أَنْشَأَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَاللَّهُ عَلَىٰ حِلْمٌ
لَا يَنْعَلِمُ
لَا يَنْعَلِمُ
لَا يَنْعَلِمُ

و در روی زمین بیکرت و جود آنحضرت صاحب غیش و گزنده بکله هرام کوششی یه مخواه
رسید و انواع فیوضات ارض و سهوات و زمین ظاهر شود که بالغش معطر و طلایه
سپر و خودم شود بجذبی که کویا فرش نمترد می اورد بهم عالم سراسر کسر ایند و اند که مفریان باشند
و پاچین و الوان کلها می مختلفه باشد و چنان باتفاق امن و امان در زیستان کسر و شود
که بچکن همچکن پس خیال بد نخواهد از عدل و داد آنحضرت که اسم ظلم در میان مردم بوده
شود و خود او و خود نداشتند باشد چنانچه قبل از این و اسم عدل را جست و او را و خود
و اشری نمیباشد و مخدی افjet شود که یکد خبر گزند و چه عجیل کمال زنگنهای تصرف
ظریں و ملبوسات الوان فاضرہ بجهی شهیه پوشیده باشد و تن تنها چون سرو خرامی و
میان پیامان شام و عراق بجز امد با کمال اطمینان جمه بجا از عراق بشام بودی سپرده و
سپر که ور پاچین و عطیرات و کلها می الوان مختلفه بود و داد صلاح و ندده و پرندده و چند
و خورندده و گزندده و آدمی و دیو و پری ما و ضری و گزندی و آسمی نه سانده و ناسو
خاطری برد و پنیل مقصد برسد بدون اینکه بدی باور نمده بیت و خشم
آنچون آنچناب ظاهر شود اول و سهای بنی شیعه را پیره که کلید داران خانه کعبه
معطره میباشد و دستهای ایشان را بر خانه آوردندان گند و منادی آن حضرت نداند اور
که اینها دستهای از زمان خانه خدا میباشد و چون در زمان جامیت کلید داری خانه
با شیعه پسر رتیعه که با پرا در خود علیه در چنگ بدر بدستهای ذوالقدر حضرت جده
در ببره خفره رضی الله عن کشته شد و چون حضرت رسول فتح مک را نمود کلید کعبه را خوا

لی پروردیدند و نزد می خواستند که بدل اینکن فریاد داشتند و همچنان که
آن پروردیدند و می خواستند که بدل اینکن فریاد داشتند و همچنان که

از این بیان چنان می‌گذرد که اسناد تقویتی داشته باشند که در آنها از این مکانیزم
است که این مکانیزم را می‌توان با اشاره به مکانیزمی که در کعبه را با
آن شیوه اور انداد می‌خواهد پس خود وادی که بخدمت آنحضرت آوز دپس آن مبارکه
و این ائمه یا امور کم آن گویند اما نایتی ای اهلها نازل شد و حضرت آنایا کلید کعبه را با
آن ضعیف را فرمود و اولاد شیوه از اوقات تا حال کلید در کعبه اند نازمان نهاد
با هر اتفاق که آنحضرت کلید را از ایشان بگیرد و وسیه‌ای آنها را پرسید و بر کعبه اونیز
نماید **بیست و سه** آنکه آنحضرت فرزندان قاتلان حضرت سید الشهداء
علیه السلام را بقتل برساند زیرا که ایشان بعال و افعال پدران مکان و خزان خود را
می‌باشد و از ارضی علی شیوه سنتی کفاری یعنی کسی که راضی بعل بدی است کویا آن
او نموده است **بیست و هفتم** آنکه آنحضرت فرزندان قاتلان حضرت رسول
یکجنة تخاص و مجازات و مكافایت و تصاص از انجری ای از زمان حضرت رسول
هم زنده نماید و استقام زهره زا هر ڈفاطحه ظاهره علیہ السلام اشترایکشد و مكافایت
مادری قطبیه را که با در ابراهیم پسر رساند است از این نماید زیرا که الحال اینداد وادی
با ایشان سانید است قول او فعل او قاتلان حضرت سید الشهداء علیه السلام را زنده
نماید و ایشان را بخصاص قصاص نماید **بیست و هشتم** آنکه جمیع حدود
الله بر ایجادی فرماید و چیزی از انها را فرو نگذارد و مافعین زکوہ را بشیریگران
زنده کفار را حکم بر او جادی فرماید چنانچه در زمان رسول خدا کسی که زکوہ نماید
آنحضرت او را میکشد و این حکم از برای مافعین زکوہ است در این مانع است
و الا منکرین زکوہ در ایمان از جمله مرتدین است و جائز لقتل می‌باشد زیرا که اخلاق

مختصر مقدمه مکتبه سید علی بن ابی طالب علیه السلام
زندگانی و ایامی و احوالی و اخلاقی و ادبی و فلسفی
و علمی و ادبی و اخلاقی و احوالی و ایامی و ایامی

زندگانی خود را در میان این دو شرکت
که هر کدام از آنها بسیار نسبت داشته باشد
آنرا در میان این دو شرکت انتخاب کنید

ضروری از ضروریات دین را نموده خواهد بود این زمان هر کس ادعا نماید که
میتواند زکوه مال خود را داده ام قول او پلاسما شرعاً مسموع است اگرچه در واقع کافیست
باشد بخلاف زمان آنحضرت که همین قدر که منع زکوه نمود اگرچه در باطن باشد آن
حضرت حکم بزدن کردند و میفرماید بعلم بالطفی که بر منع دادن اذکوه را دارند منع
زکوه و تقدیمه از تداوی است در زمان ظهور فور و لایت مثل اینها و نیوت نظر به عقیده
بیست و نه هم آنکه زمین نور جمال آنحضرت چنان دشمن و منور و مشع و متلو
خواهد شد که مردم محتاج نور آفتاب و ماه نجوا به بود که اگر شمس و فرطیع نگشته
روشنی در عالم است که کنایت از آنها نماید و این یک تاویل آئینه مبارک است که
و اشرفت آوارض پیور ریضا باشد بلکه مردم عالم اصلیح شمع و شعل و روشنائی
و پراغ و شاره خدارند چون زمان ظهور مقدمة رجعت است در زمان حیث
جمع طلاق و کلفت و حیث از دنیا بر طرف پیشود و مبدل بورد و حیث پیشنهاد
نور عالم که بر میور د شب در زمان رمان هر دو راه است با کمال نور و خصاءستی
اهم آنکه در زمان ظهور و حیث آنحضرت هر یک از شیعیان آنقدر عمر نمایان
نمایند بخوبی و خوشی و طاعت و عبادت و مختار و معرفت و استراحت و
رفاهیت و کثرت نعمت بقدر یکه هزار پسر از اول بوجود آید و این احتمال در وکیله
پسر از صلب او بهم بمندیا آنکه هزار پسر از اولاد و احفاد خود بپیشنهاد آنوقت
بپیرید با کمال غرست و احترام و درود فلك و حرکت او و گرگون شود و تماشی کوای

بِخَيْرٍ بِأَنْ فَدَاهُ خَيْرٌ بِلَا عَلَىٰ لِي بَذَّلَهُ شَرٌّ بِأَنْ هُوَ شَرٌّ بِمَنْ يَعْلَمُ
بِخَيْرٍ بِأَنْ فَدَاهُ خَيْرٌ بِلَا عَلَىٰ لِي بَذَّلَهُ شَرٌّ بِأَنْ هُوَ شَرٌّ بِمَنْ يَعْلَمُ

پنجهای پر نیز بود که این خوش بانی خواسته بود که میرزا علی شاه را در آن روز
دل بدن بخواهد و این روز را میگفتند که میرزا علی شاه را در آن روز بخواهد و این روز را
میگفتند که میرزا علی شاه را در آن روز بخواهد و این روز را میگفتند که میرزا علی شاه را در آن روز

علیحده شود و بعلیه در حکمت او پیدا شود و بحوالی عالم منقلب کرد و داد عماره اوداد و داد
کما تقدیم طول کرد و بعده کیه هر یک هزار اولاد خود را ملاحظه نمایند و بعد بخواهش خود
بپرسید سیستم و یکم آنکه حضرت در پشت کوته مسجد بنایم و پیازد که هزار ده داشته باشد
و دین غیر از آن مسجدی است که حضرت رسول خدا و میر المؤمنین در زمان حرب
در بحث اشرف بنای میگذارد و دین مسجد هزار دری قدر پیهای کثیره افراد خود را
نمایی در خشنه در خان و نایان باشد که موجب صرور و خوشحال مصلیین شود کی
دو دویم آنکه از پشت قبر مطهر سید الشهداء علیه السلام نهری بطرف بحث
فرماید که ایش پدره بای بحث برپر و بدان نهر پیهای آسیا پهابت و ساخته شود و حضرت
با هر و هلم طا هر مونا محمد باقر طیب السلام اللہ علیکم الفاق فرمود که کویا می نیم پرورد
ز غیلی پر از کندم و داشته باشد که او را میرزا میسیا نهر کر جای معلمگاه آرد نماید و بدن
آنکه کرایه بده اش ای الله تعالی بآنها مبرد و حضرت صاحب الزمان او را جادی
فرماید سیم آنکه اخیرت جمیع خارات مساجد را خراب نماید و گفت
بر داد و مسجد را اچوب بتنی نماید و گنبد و آجر برداشته شود مثل عرش حضرت مو
بن هران بنگذار و مثارها و گنگها را که اباب اهل دنیا و فراعنه میباشد جدا فراز
کند و مساجدی را که در میان شاهزاده را همبا ساخته شده است خراب نماید و گلده
کار بردار و گذاشته ببلندی بام مسجد باشد که آنها را بحال خود گذارد سی و چهارم
آنکه بنای دنیا را تغیر ده پس شاهزاده مسلمانان را اشست و داع فراره برو کوچه

پنجهای پر نیز بود که این خوش بانی خواسته بود که میرزا علی شاه را در آن روز
دل بدن بخواهد و این روز را میگفتند که میرزا علی شاه را در آن روز بخواهد و این روز را
میگفتند که میرزا علی شاه را در آن روز بخواهد و این روز را میگفتند که میرزا علی شاه را در آن روز

و ذوق تکب را وسیع نماید و جمیع خبره ما و مردم نهادن او و اینها دیست اخلاق اما که در میان شاهزادگان
سلیمان و اقیانوس است خراب نماید که جمهور آنها شسته در فمه و وسیع و پاک و پاکیزه و شفاف
و بازار را وسیع باروچ و فضائی خوش سی و پنجم هفدهم میلادی خانه کعبه را خراب نماید
و بناء و سنبهایان حضرت آیت الله ابی هبیم و استیبل پاک الداز و دیوانه دو بنای طالبین و فاقیهین و
فاجرین را از روبرو طرف کند و مسجد امیر احمد را و مسجد مدینه را خراب نماید و بطریقیکه در
زمان حضرت رسول جانها ده بودند بنای کند و مقام حضرت ابراهیم را که تغیر واد و نجف
تغیر و به دنباده اول آنها مانایند و مسجدین کوفه و بصره را خراب کند بلکه جمیع بنایهای
طالبین را از روی زمین بردار و بر طرف کند سی و ششم هفدهم میلادی با مرآتی هی آسمانها باید
امحکم شوند خواه اغلب متوالیت امکنک پا افق اگلک بخلاف قوال امکنکه باشد و چندیکه حرکت
پید ورد او مقابل حرکت و ده دوره ایتریان باشد پس یک ساعت آتیان مقابل کیمال این
ساعت ایتریان و یک دوزار مقابل ده دوزار این زمان و یکیه او مقابل کیمال این
زمان و یک سال او مقابل ده سال این زمان است و تکهور این حرکت در زمان حضرت
بسیار محال بسیار سی و هفتم هفدهم ایتریان خضرت جمیع بدعتهای دینی و دینوی را از عالم
بردار و دو پس طالبین و ذی فاجرین شعار و علامات مشکلین بر طرف نماید و جمع
آلات قرار از زرد و شلنخ و کعب و در بجهه هش رو آنچه مسد از پرایی قرار دارد و باخت
شده است از دنیا پردار و جمیع آلات در دو ایام و سه شب طرب و لهو و لغو
و نشاط پدری قم محروم را پردار و بگند از قبل ا نوع سازه ا او سرناها و پرطهای و چکهای و

لشی و نیزه ای اخراجی میگردند که در اینجا پرداخت شده است.

و سنتورها و ربابها و انواع نغمات و اصوات و تقطیعات و تصنیفات که داخل
خنده است و ترجیعات که در علم موسیقی یافت شود از جمیع انواع آوازهای از زیارت
طرف نماید اگرچه در این زمان هم گذشت آلات قار و لهو و حجت با وجود استرا
وجوب او و امر معمود و در زمانی این آنکه از کتاب گذارد و داند فاسقین و
المالین و از برای آنها جلد ما و قولهم درست نویه اند و آن را طوایجاً معرفه و اینها
و گناشیں و قلائیں و رقصیں و شیرین و متسردیین و ضادیین و فاعلین و
وزانیین و زانیات و گالمیر و گالماته و فاسقین و فاصفات و پیده نیات و پیه
بنان محل تقریت و اخراج آنها را لخا و میدارند و پیان را در مجال شرب خود خواه
پیکنند و چهایها درین باب چنانیند و پوچهایی حرام را خرج و صرف این طبعین میتوانند
و ملاحتی صرد و ده و معاصری منتهی و حال میتواند مأموریت مکنند و بین اعمال شیوه قحوه
میباشد در میان مجالس میباشد که فلان میتر و فلان میطر و فلان علیل که در فلان
لقد امن باشد و دم و دفع شرب کفار را فرامیخواهد و ندوش و روز مشغول این
کوشش امیر شنیده بیاشند و بعدهی هم سوار کردن مسلمان شده اند و هر کس مغرب پیش
این مورا زاده و میتر بگیرد و پرسد در آنکه روپهان و این مان قبح این اعمال برداشته
شده است پیکره اطفال امارده میکند و با نوع ترتیبات زیست میگند و کاهی زنان
بیهوده مردان و پسران بالپاس دختران و خصائص عال و افعال و خزان و
مجاہد خاص انجام خود را میپند و آنچه میخواهند پرسیده ای که میگند و میخوردند: می

بَلْ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْضِ وَلَا يَنْهَا
كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا مَاهِيَّةٌ لِّذِكْرِهِ

و خداوند از مابت اندراج آنها را صحت داده است تا آنکه حضرت صاحب از زمان
نهود فرماید و ایشان را بالمره قلع و قع نماید و این اوضاع شرک و فتن و فجور را از بین
بردارد و جمیع سنتها حضرت رسول را برپا دارد و احکام و حدود الهی را در دلچسپی
سی و هشتم آنکه در از زمان شیعیان امیر المؤمنین یتقدیرستی شوند از مال و اموال
ضعی و نیا که هر کاه کسی تفحص کند که فقیری را باید که جاوز کو ذمای خود را بد پیدا کنند ممکن است
خود را بد پیدا کنند از پنج صاحب عبیدین بجز دین اسلام و حق قبول
نمکنند و تحریز اهل کتاب نمکنند و هر کس مسلم خالص شود مقبول و هر که قبول ایمان پیدا
نمکنند مقتول خواهد شد **چهارم** آنکه چون آن حضرت ظاهر خواهد شد قرآنی را که خدا
عالیان بتوسط چیزیل این بر حضرت خاتم المرسلین در طرف مدحت بیت و سه بیت
فرستاد نمایا هر فرماید که بکوشا و تغیر و تبدیل نماید اشته باشد و بتریقی که نازل شده
بدون شهوط چیزی از آن زیاد شدن با او خواهد آورد و دو و همان قرآن قوی للنبیانی
که امیر المؤمنین و صلح رسول رب العالمین بعد از رحلت حضرت سید المرسلین در این
نحو در مرتب بتریقی تزویل فرموده اور ابرد و ادب مبارک خود پیغمه و بمسجد در حضور مجاہد
آورد و فرمود و همان این همان قرآنی است که چیزیل از جانب رسول محبیل و ای
ده است و چند آنها را من جمع نموده ام و تا ویل و تتریل اور امید ام و مید انم برآید
از آیات او را که بگویید و در چه خا و از پرایی چه در شب و روز د صور و کوه نازل شده اند
آیه و تعلیم و ظاهر و عکم و حقیقت و گناه و درایه و تپیهات و مطلق و مفید و مکام

لطف دار بکار کنیم که این فضای اعماق را می‌توانیم بازگردانی کنیم و آن را بازگردانی کنیم

جی
بلاول
خود ران
علی
س
و خود را
پنهان
علی

و عالم و خاص و تاسیخ و فتوح و قصص و آداب و حکام و فرایض و امثال و میان و شهود
و قبیل و خطا و امور و نیا و افرت و آخبار و کیفیات جنت و نکار و دنیا و برآخ و
رجعت و قیامت و پیش از خلفت آدم و بعد ازا و دنیا و آحوال انسیا و اویا و دادی
و پادشاه و طالبان و عادلان و سیگان و بدان و علوم اولین و دخنی و کندش
و آینده را که در قرآن هست همه اینها امیر المؤمنین صدیق است و خداوند عالم علم
جهه پیر را در قرآن نهاده است به عنوان لارطب و لایابی لافی کنایه پیشین و عذر قدر
بجمع اقوام ظاهر و باطن اور اور تردد امام هم نهاده است یقور تعالی و کل شی احصینا
قی زایم مسیئ و ناویل اوه اینچه خداونده رسول و امام فیدانه قدر عقول و نایمیم ها و پیله ایله
و از اینچون فی الائیم پیحضرت امیر المؤمنین فرمود من میدانم ایا بت و سورا و پی
که برگردانه برای چه درجه جا و چه وقت نازل شده است پیغمبرین الخطاب از
میان اصحاب کفت یا آیا اینکه تلقین القرآن القدیم جمعه عثمان و گذربی یعنی میان آنکه
ای ابوجحسن کفايت میکند اما قرآنیکه عثمان نجع نموده است و اورانو شد هست
از پراکه عثمان از جزیره کاتبان قرآن بود پس آنحضرت فرمود کن مرد و از ای اذ اقام
عائینا یعنی هرگز دیگر این قرآن را نمی بینند که بعد از آنکه قائم ماجحت پی خرده پیحضرت
قایم هم همان قرآن را ظاهر نماید و احکام اور احادیث فرماید و این قرآنیکه احوال
میان مسلمین هست پیغمبر عثمان بن عفان است که اور راجع نموده هستند میان
خلافت شیخین خلافت خود و هم قرآن ادار اجمع نمود و این تقبیل را استناد کرد

لَمْ يَرْجِعْ إِلَيْهِ مُؤْمِنًا وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيْهِ
لَمْ يَرْجِعْ إِلَيْهِ مُؤْمِنًا وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيْهِ

و نسخه را مختصر باین نمود و با قی نسخه و اوراق و مثناهای کو سخنان و پوشاکی آنها و تخفیفها را
که آیات متعدد قرآن را که در آنها ثابت نموده بودند حکم ذمی نمود بلکه بعضی را اوراق را
دیگر کند اراده داشت که نسخه قرآن مختصر فوجه او شد و نسخه هم این مسوده داشت هر چیزی
که در اون مذکور شده باشد از آنکه اورایها نداشته باشد بر جای این مسوده داشت و
با سپر اون را نماز کرد و نیم بر عثمان اور ادفن نمودند تبھی که در کتاب سیف الشیعه نوشته ام
و حضرت امیر المؤمنین در رمان غلافت لکا هر چیز خود نتوانست تغیر دهد که قرآن خود
ظاهر نباشد پایه مصلحت آنها و سر خنی اور فرم پیمان یا آنکه بعلت تبعیه از ظالمین فا
سقین وضعیت ایعقوب مردم بیدین اعلی ساقین که چون میدانست دولت پهلوی
ظالمین و فاسطین خواهد اتفاق داده بین اتفیه و بنی مردان و بنی خیام بعد اینها
ترقیب علما فی رفتار نموده اور احوال خود کند اراده بود که عثمان از قرآن انداخت پیغمبر
ترقیب ترول آسمانی اور اجمع نموده و لکن برای چیزی از خود نیخواهد و در اسقا ط معاون
بعض آیات قرآن را میان علیا و غلافت مشهور میان علیا اخبار شیعه این است که
از ادعا ط نموده است لکن نام قرآن در تردد اثیه امام علیهم السلام و شاه الکب
العلوم که را از زبانی میان آسمان مخدوم است بد و ن که وزیر اوقوف تعالی و وزیر اوقوف
له آنها قطبین و بعضی همین آیه است دلال نموده اند براینکه این قرآن همان قرآن متزل
میان انسان و بلاتقصیان است و اول اقوی است نظر بکثرت تغیرات و تبدلات قرا
آنت و اسقا ط بعضی کلیات او از اخبار و آثار اثیه اهلدار و بعضی اخبار است که

از خواسته های پنهانی بخوبی بخواهی
بگذاری از خواسته های بزرگی بخواهی
بگذاری از خواسته های بزرگی بخواهی

ج و بون ان ده فن میخان بکان بیان و
مداد افغان

شان اسامی مناطق را از قرآن آمد اخت و در خبری کثیر آمد اخت و در خبری دیگر
چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام قرآن را آورده بکی از معاندین او را کرد و پس
در صفحه اول او نمایت بغضی از اصحاب را دید کفت این قرآن جاسح ضایع احیا.
و این موجب بد نمایی در سوانح ایشان است لہذا او را از اخضارت قبول نگردند اما گفته
کی از اصحاب برخواست و گفت این قرآن است ما را کافی است و در خبری دارد ای
مثلث قرآن در حق و ملح است و مثلث او در نمایت و شمان و بعضیان می باشد و
دیگر او ذرا حکام و فراین و قصص و سنن است و در خبر دیگر قرآن ارباب آغاز شده
و در خبری بیار از آیات و سوره و کلمات و حروف را احمدی از معاندین از قرآن
مثل آن شریفه نیای ایشان از تنوعل بمعنی ما از تزلیش ایکت فی علی و مثل آن مبارکه که آنها است میگیرد
و علی همچنین قوم نمای و مثل آن معظمه رائی اللذین بودند کت فی علی و غیری از اسامی مبارک
آنحضرت و سایر ایشان طاهره از اولاد او و ملح ایشان و ذم منافقان که همه داعیان
آمد اخت و این مناقات با وعده ایشان در خط قرآن ندارد زیرا که قرآن محفوظ
در تردد آل محمد و پادشاهیان است و آنها را سخون و رعلم بین حلال و حرام و مأول و
تریل و یا شند و توأم با قرآن بستند بنابرایش و سلال خداصل الله علیه واله
و سلم که فرموده اند مادریک فیکم المتعالین خلیفتش کتابت و شیوه و خبر زده ایشان بیت
حقیقی بیداع علی ایشان که حضرت رسول الله قرآن و آن وغیرت و اهل بیت خود را ایا
توأم قرار داد که این و وچیز از هم جدا نخواهد شد ما اگر تردد آن حضرت را پ

وَيَقُولُونَ إِنَّمَا يَعْلَمُ مَا يَأْتِي
إِنَّمَا يَعْلَمُ مَا يَأْتِي إِنَّمَا يَعْلَمُ مَا يَأْتِي

کو شرپند و علم قرآن را خدا در تراث ایشان گذارد که بیان حلال و حرام و فضائل
و فرایض و احکام و قصص و شیوه داشتال و میح و ذم و آنچه را خداوند در قرآن پیش
فرموده است ایشان از برایی پند کان بیان نمایند لهدار بسیل خدا فرموده این ناچار
فیکم نماین میگذرم بن تغییل و بعدی کیا بسته الله و عزیزی اهل عینی که هرگز منتظر باشیم
و چیزی شود نجات خواهد یافت نه آنکه به تهائی میکی از اینها منتظر شود زیرا که جمیع این
احکام و فرایض از برایی عالمه عورام و خاصه خود مفهوم و معلوم نمیشود که بعد از بیان
پس رخداد لازم است که از برایی قرآن شنی ترا رده بده که امّه علوم قرآن و ایاد و راد
باشد تا آنکه ا تمام حجت شده باشد بلکه لغو باشد چنانکه مجلات و مقابله های
معلوم نمی شود و اینکس با تعاقب شیعه و سنتی علی بن ابی طالب و اولاد ظاهرين اسلام
انقدر همیهم اجمعین چنانچه اختلافات این قوال و اخبار را در کنایت الشیعه که پیر و کتاب
بوادق لا صدیقه قصیل نوشته ام بحمد الله تعالی و توفیقات پس امیر المؤمنین و اولاده
والظاهرين در زمان دولت ظالهين و فاسقين و فاجرین از بنی امية و بنی اقبه و
عهله اس پسر قریب عثمان بیان احکام و فرایض را مینمودند و اورا متداول فرموده
بها ان شرعاً مردم میخوانند او را و من با پا اتفاقی او را تغیر نهادند و چون بمان
دولت ایشان نبود ظاهر اطمینان خود را نگرفتند بلکه کاه کاه هی که حضرت پیر
المؤمنین همچو هست شد میبل بدعیت معاذان و انباید صد امی ده عرا و عسیر از
ایمن مردم باسان بگذر پسر چنانچه شیخ اخضرت در ما و میار که و مساجد بسیار کو فدا

بگوییم که این دنیا می‌باشد و نیز آن دنیا می‌باشد که بگوییم که این دنیا می‌باشد و نیز آن دنیا می‌باشد

شودید مردم صفویت پسته اندیجه جماعت نمودن نمازگاهی مسجیبه شهابی ماد
بپارک رضوان و این را نماز تراویح میکوبند سنیان حضرت فرموده این مردشت
وناید پاشد حضرت امام حسن علیه السلام فرمود صفوی مردم را به هم زده آنها را
شرق نمود که از مید میں صدای واصبد عابر خواست که این بدعت را نهاده باشد
بپارک و نیم اندریه این بدعتی است آن خوب بدعتی پس چون حضرت صاحب
نحو فرماید آن قرآن را ظاهر نماید و مردم را بخواهد او امر کند زیرا که زمان خلوت
دولت خدّه آل محمد است چنانچه حضرت امیر المؤمنین با حضرت صادق آل محمد علیهم
آلف آلف التحیة و آلسال فرمودند کویا می و ملاحظه مینایم که شیعیان مانعیهای در کوفه
زده اند و مردم را تعلیم قرآن تازه پیدا نموده مراد وزرا ابن هان قرآن امیر المؤ
منین است که او را بزرگی ترول آسانه جمع فرموده دون کم وزیاده اینکه قرآن تازه
دیگر غیر از اینچه بر حضرت رسول نازل شده است نازل شده باشد پس هرگز تو عانیا
که بجز این قرآنیکه بر حضرت رسول نه نازل شده است قرآن دیگر یا صحیه دیگر از آسان
نازل شده است بر من یا بر حضرت صاحب از زمان نازل شده است که احکام مسجد
ماشی احکام قرآن حضرت رسول در او میباشد کافرو نجیب و مخلص در جنم و لازم لعله
است چنانچه روز مان این باب و بابین طعونین این ادعایی فاشده کاسه
باعظیه عاطله را نمودند و بجهرا الله تعالیٰ کفر و زندقه و اراده ایشان از برکت صاحب
از زمان بر عالیان اور مردان و زنان و کسر و فیض و شریف و عالم و عالمی و پرور

لَهُمْ لِيَوْمَ الْحِجَّةِ مَا سَعَىٰ بِهِمْ بَلْ هُمْ
كُلُّهُمْ يَوْمَ الْحِجَّةِ مُبْرَأُونَ إِنَّ اللَّهَ
يَعْلَمُ مَا يَفْعَلُونَ

نیز بدهی بگشایی این میان میگذرد و فرستاده شد که این فاعل نیز نیز
غیره بگشایی این میان میگذرد و فرستاده شد که این فاعل نیز نیز

عالیان نماید در میان اینکه حجت بدیناید و آنکه در درجات عالیات هشت باره
نمایند و تقاضات متعدد باشد تا در قیامت پس بعضی میں بدینایا سکته و در جمع باشد
و بعضی رجوع نمایند و در خبر و میراث است که هر کس را که استکار خلود و فرج آل محمد را می
کشیده است یا آنکه دعا از برای قیام حضرت قائم عین نوره است خبر میرکشید که خلود و
خلود شده است اگر بخواهی بپرسی رجوع نماید اگر بخواهی بمال خود باشی پس بعضی برکرد
و بعضی برکردن تا قیامت و مرد جهود بدینایا باشد ان عصریه و نیویه خود بدینایار جمع میخوا
بهان طریقیکه در دنیا بوده اند و در هر چاکه و فتن شده اند از قبر خود خامق خواهند شد مثل
اینکه خداوند عالیان آنها را در قیامت کبری زنداد فرماید یا آنکه مرد و بد عالمی سخیر
و امامی زندگ فرماید چهارم و سیم آنکه در میان دو دست مبارک حضرت
قائم آل محمد موت احمد و موت ایشی باشد ازهای و مشسان آن حضرت و شیخیان
او و مراد از اول شمشیر است چنانچه مانی از او مراد طاعون دست پس هر کس زدن
خدار بخواهد کردن بزند و هر طایفه را که بخواهد کردن بزند و هر طایفه را که بخواهد حکم فرماید
در میان بیان طاعون سیخ و چندین هزار ایشان در زمان قیلی از زن و مرد بیرون
چهارم و چهارم زن بجمع دنیا و مافیها در تقدیر حضرت و سایر ائمه علیهم السلام تقدیر
کفت دست خودشان باشد که با ونکا و کند و هر چه در او باشد بعضی شهود طاطر فرماید و
هر کاد بخواهد و تقاضات بیکمی اخراج دنیا و عالم نماید و احاطه بهم اینها بهم رساند و این احتمال
غیر از حلم حضوری است که از برایی امام تم صنوع است و مخصوص خداوند عالیان است

بر و پیش بینیم
بینیم بینیم بینیم بینیم بینیم بینیم بینیم بینیم بینیم بینیم بینیم بینیم بینیم

که صفت لا یشتری شان عن ثان باشد چنانچه تفصیل این مسئلہ را بدست مشکو که اذانو نه
نوا سردار ایه ام طهار علیهم السلام ای الله الراکن الغفار نوشتند ام و خداوند چنین چنین
حضرت عطاء فرموده است که پنج جسم کثیف و جرم غیرلطیف نانع و حاجب و کاجزاء
خود را زبرای او نیست و اجرام کثیف در نظر او بثابت جوانی الطیف نازک باشد پس در هر
جا می‌عالم که باشد اجزایی عالم را کجا هست ملا خلطه پتوانند نماید و قوت سمع او را چنان قدر
دانده است که هرگز در هر جا هر سختی بکوید آنحضرت او را بشنوید دون ایمکنه بادیا
ملک با او اخترف و کلام را برساند و آنحضرت سیمان با دستخان را بکوش و پرسنده
و اینها بحسب نظر هر یه بیا شد و لاحب باطن که علم او را حافظه باشیاد و در ده
با زن آتهی چنانچه عمل و علم احاطی بجهات خود دادند هرگز بقدر علم خود و در خبری
وارد شده است که خداوند عالمیان عجودی از نور در میان زمین و آسمان نصیب
نموده است که عکس جمیع اشیاء موجوده در مانع فلک قمر و غیره ای ملدان و
آکات و صحراء و دریاها و گوهرها و میوهها و حیوانات و جن و آنس و مایمیت الاضر
و اشجار و نباتات و جداول و رانهور بیان شده است و حضرت صاحب ازمان کرامه
زمان است با ونکاه میکند و بهم چیز را بهر حال که باشد ملا خلطه میکند بطریق ملا خلطه نمود
چیزی را در آئنده پس هرگز برکار بهر جا که باشد از احوال معاصری و اطاعت و عبادت
جهه را امام می‌بینند و سپه ایه بیرون چنیده و در خبر دیگر است که صراحتاً عجود مملکت است
که خبر را م خود دهد و در خبر دیگر است که آن عجود نور در قلب امام است و علمند است

لهم اذ کار نیز بکم دادلا کن کار فکر دادم ابدهم دادی بک غذا
که بکار نیز که این دادم افکر که این دادی بکاری دادی بک غذا

که همه صحیح باشد عمود نور در بیان زمین و آسمان و هم نور در قلب آدم و هم
اخبار کنندۀ آنحضرت و اگر مراد قوه قدسیه کوئیه باشد که خدا و مدارا با امام عمه
واده است که در هر جا هرچه میشود امام هم بداند و او را به سیستم دعا خطاورد
چنانچه این علم را غیر اشیل شی قابض الارواح دارد و شیطان بد بیان کراه کنندۀ
آدمیان بواسطه اسم عظیم آسمانی شاید خپین باشد اگرچه تحقیق این مسئلۀ را در کتاب مشکو
الآنوار نموده آم حضرت و سیدم آنکه آنحضرت چون آنحضرت ظهور فرماید اول که
که بزرگان بخوبیان خود جاری فرماید و مشهد ناسی این باشد که بفرماید پیغمبر الله
چیر کلم این گفتگم مومنین و بعد از آن بکوید آنایقیه الله و خلیفیه علیکم و در آن مان باید با
حضرت خپین مسلم نمود آنسلام علیکم باقیه الله فی آنچه برسیل خدا صل الله
علیه و آله خپین مسلم میکردند که آنسلام علیکم یاری مول الله و با پیر المؤمنین هم این
لقب آنسلام علیکم با پیر المؤمنین مسلم میمودند و چون عزت و احترام و ادب
نسبت بزرگان این است که او را لقب خوب او ذکر نمایند بلکه همین سنت در چیز
مومنین جاریست ماروز قیامت چهل و سیم آنکه آنحضرت نگذارد و بروزی این
چیز پر اکه مردم او را سجد و چشم خود را انصمام خواه بست طلاق و نقره و مسلیخ یا چوب و
باشد و خواه حاج نصاری باشد که تکل حضرت عصی بن مريم را در او کشیده است پس پنج
سجود یا طبل را نگذارد که آنکه او را بشکند و کسی و چیز پر امردم سجده تماشید غیر ذات
و احباب الوجود بالذات که هستی او ضرور و غیثی او محال است و جامع صیغه صفات بتو

لهم اذ کار نیز بکم دادلا کن کار فکر دادم ابدهم دادی بک غذا
که بکار نیز که این دادم افکر که این دادی بکاری دادی بک غذا

و کمال و جمال است و متره و متر از جمه صفات لصص و صاحب جلال است و آن
نمایانی خدا تحویل بود زیرا که محال است که خدا محااط بندۀ خود شود بلکه جمیع مو
جودات عالم و چو دمیاط و مخلوق او پسند نظر نقول خدا تعالی که میفرماید و چو علی کلش
شیئی محبوب پس اطاعت و عبادت و دکوع و بسیود مختص همک معبود خواهد کرد و بد و اش
و هر صنم و سبت خواهد افکار و نیازهای مخصوص خواهد کرد پس چهل هزار هشتاد هشت
خسابیں انبیاء و اوصیاء اولیاء و باقیه هر چهار هزار هشتاد هشت هزار هشتاد هشت
و صفات حسن و اخلاق و سخنه و مجزات و خوارق عادات تبریز و تبریز
او هیا و تبریز متقد مین را آن حضرت ظاهر نایاب آنچه را که از پیشیان باقی نامد است
و بیان نیاده بجهة مصالح و مفاسد که خدا در اینون در علم میدارد پس نایاد که هنوم و
صفات کمال و جمال بهم انبیاء، سائیه ده و اوصیاء سالفة و زادلیاء و ارضیه و صاحبان
شروع و کتاب و دین و مذهب و ملت با او باشد که جامع جمیع ما تقدم اوست نامنک
باقی نامنک متقد مین را آن حضرت تمام نموده بجا بیاورد و پس آنچه در آنها بوده باشد را
اینجا هم با آن حضرت باشد چنانچه هست و حضرت رسول الله و سایر ائمه هر ی علیهم السلام
نه چنین میباشد آنکه طور این صفات و مجزات و خوارق عادات در حضرت خا
اهشیان و حضرت خاتم الوصیان پیغمبر است پس جمیع انبیاء مرسلین و غیر مرسلین
و عالیکه مقریین و کرویین و دو عانیین و متقد مین و مجنونین ناطرین بور و
و مذعن بحال و جمال امیر و از هر آنچه بباشد و بولایت مطلقه البتیه هر قصر

دیگر فیض از آنچه ای از بزرگان این دنیا بر این دنیا فیض از آنچه ای از
دیگر فیض از آنچه ای از بزرگان این دنیا بر این دنیا فیض از آنچه ای از

له در افراد عالم علوی و سفلی بازن آتی پتوانند نماید هر کاره بخواهد ظاهر میگزد هرچه
که بخواهد یکتہ انهمه را عجیاز چهل و ششم آنکه روزی که آنحضرت ظاهر شود جامعه
سفید پوشید و ذوالفقار حیدر گزاره اپه بند دوزده حبیر طیاره را پوشید و پسر
حضرت حمزه را بد و شس بیندازد و عمامه زرد می ببرد بند دیا عمامه حضرت
رسول صدر را دشاید همان عمامه زرد ازان حضرت باشد و عصمه آن حضرت را
بدست بکرده و نعلین اورا پوشید و دو نکشته می در بخشت مبارک او باشد که یکی از
از حضرت امام حسن مجتبی که در او امشی شده باشد که آنی داشتی بر جنگ و یکی دیگر
از حضرت سید الشهداء علیهم السلام پاشد که در او نقش شده باشد اما متوجه
التحالیفین و دین اسباب داخدا و مذکون خطف نموده است از زمان حضرت رسول خدا
دو سپاهیه به می علیهم السلام نیانکه با حضرت از آئینه دست بدست رسیده اند و
حال هم در قرود آن حضرت موجود میباشد و تغیر نمیزند و با عجیاز آنحضرت کمال خود
باقي هستند با جمیع موادریت از زیارت و صیاد و اولیاء متقدسه چهل و ششم
آنینکه بیاری از احکام عجیبه و غریب الهیه را ظاهر فرماید و کوشش زدن عالمیان نماید
نه مردم نمیده و لش بیده باشد بد انکه حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبد الله صلی
الله علیه و آله و سلم میباشد و متوجه شریعت غرامی آنحضرت و بیان احکام دین
صیین حضرت سید المرسلین را نهایا در خود دینی نگازه و احکامی مجدد ده تجواده آورد
و حی با دنیا نازل نمیود و اور قفاره میگزد گمانی بر حضرت خدا آنچه جدا مجدد خود نازل شده